

«کنفرانس لندن»

نمایش دموکراسی غرب در تدارک جنگ به رهبری آمریکا و تلاش جناح‌های سرمایه‌داری جهانی در تعیین وضعیت حاکمیت آتی عراق

دولت سرمایه‌داری جهانی در حال توافق حول آینده عراق هستند. در یک سوی این توافق، قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای و در سوی دیگر آلترناتیو سیاسی که قرار است از طریق اتحاد گروه‌های وابسته به این قدرت‌ها ایجاد شود قرار دارد. کنفرانس لندن که بمنظور تعیین تکلیف آینده عراق برگزار شد تبلور چنین توافقاتی بود. این کنفرانس به ابتکار و تحت نظر آمریکا و براساس برنامه‌هایی که پیشاپیش مورد توافق قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای صورت گرفته برگزار گردید. در آستانه آخرین تدارکات جنگی آمریکا برای حمله نظامی به عراق، بیش از پنجاه حزب و گروه عراقی به فراخوان آمریکا و متحدانش برای تعیین تکلیف آینده عراق پاسخ مثبت داده و بخش قابل توجهی از نمایندگان آنان در کنفرانس لندن شرکت کردند. کنگره ملی عراق، پیمان ملی عراق، مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، حزب دموکراتیک کردستان، اتحادیه میهنی کردستان و جنبش سلطنت مشروطه، گروه‌های اصلی بودند که در برپایی این کنفرانس و تهیه پیش‌نویس موضوعات مورد بحث در این کنفرانس نقش عمده‌ای ایفا نمودند.

مسائل مورد بحث میان شرکت‌کنندگان این کنفرانس، صرف‌نظر از شکل عقب‌مانده بروز اختلافات سیاسی، غالباً بیانگر تنش میان قدرت‌های پشت کنفرانس بود. با این وجود حول ساختار سیاسی مبتنی بر قومیت و مذهب و قوانین متکی بر اسلام توافقات نسبی حاصل شد. «پیش‌نویس طرح ایجاد دولت انتقالی عراق» شاید مهمترین سندی است که نیروهای شرکت‌کننده در کنفرانس مذکور و به تبع آن دول و قدرت‌های حامی این نیروها قادر به توافق حول آن شده‌اند. گذشته از مکان واقعی کنفرانس لندن در آینده عراق، سند مورد توافق این کنفرانس حائز اهمیت است. چرا که این سند بیانگر خطوط اصلی سیاسی مورد توافق ضمنی قدرت‌ها و دول منطقه و نیروهای وابسته به آنها درباره آینده عراق است. ضمن آنکه نباید اختلافات اساسی میان این قدرت‌ها مانند اختلاف میان برخی از اعضای قدرتمند اتحادیه اروپا و آمریکا حول آینده عراق را از نظر دور داشت. اختلافاتی که در پس جنگ دیپلماتیک و نقش سنلیک «کنفرانس لندن» برای مانور سیاسی در استراتژی جنگی نهان گشته است. با این وجود، سند مورد توافق کنفرانس لندن از یک نقطه‌نظر اهمیت وافری دارد: «پیش‌نویس طرح ایجاد دولت انتقالی عراق» نشانگر این حقیقت است که گرایش به «فدرالیسم جدید» بصورتی مسخ شده و بمثابة مفری برای بحران ساختار سیاسی سرمایه در حال تحمیل خود بر پیرامون است. اما «فدرالیسم جدید» اگر در اروپا قادر به شکل دادن به بازار واحد داخلی و پول واحد جهت کنترل موقت بحران است، در کشور «پیرامونی» در خدمت استراتژی جنگ و تقسیم بازار و منابع ثروت میان قدرت‌های برتر و آغاز دور نوینی از جنگ‌های ملی و قومی قرار خواهد گرفت.

این کنفرانس پرده‌ای از نمایش دموکراسی غرب به رهبری آمریکا در پیشبرد سیاست‌های جنگی جهت تصرف بازارها و ذخایر نفت جهان بود. کلیه قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، کلیه دسته‌های ارتجاعی مذهبی و ناسیونالیستی در ازای وعده دریافت سهمی از غنایم سیاسی و اقتصادی جنگ آتی، در این نمایش حضور یافته و پیشانی بر آستان غول‌های پولی و نظامی آمریکا ساییدند.

دولت آمریکا علت اصلی اقدام خود برای جنگ احتمالی با عراق را استفاده صدام حسین از جنگ‌افزارهای کشتار جمعی، سلاح‌های شیمیایی، برنامه‌های اتمی و بیولوژیکی این کشور و ارتباط آن با تروریست‌های بین‌المللی قلمداد کرده است. اما هم برای متحدین آمریکا و هم برای گروه‌های شرکت‌کننده در کنفرانس لندن آشکار است که تجهیز دولت عراق به سلاح‌های مرگبار توسط دولت رونالد ریگان و جرج بوش و سپس نیز دول اروپایی صورت گرفته است. اطمینان آمریکا در وجود صنایع تولید سلاح‌های میکربی و شیمیایی در عراق ریشه در این حقیقت دارد که مؤسسات نظامی و تحقیقی این کشور از دست‌اندرکاران راه‌اندازی چنین تولیداتی در عراق بوده‌اند. بکارگیری سلاح‌های شیمیایی در جنگ ارتجاعی ۸ ساله میان ایران و عراق و کشتار هزاران تن از مردم حلبچه بوسیله رژیم عراق، به کمک آمریکا و با حمایت کلیه دول «متمدن» غربی صورت گرفت. این حقایق بیش از همه برای آمریکا و متحدین آن، بویژه باندهای بغایت ارتجاعی گرد آمده در کنفرانس لندن روشن است. کنفرانس لندن نشانگر اتحاد همه نیروهای شرکت‌کننده آن در جنایات تا کنونی و کتمان حقایق در ازای معاملات سیاسی در بازی قدرت است.

کنفرانس لندن توانایی آمریکا در شکل‌دادن به یک اتحاد موقت طبقاتی و تخفیف تنش میان جناح‌های مختلف بورژوازی در پیشبرد سیاست جنگی و تعیین وضعیت حکومت عراق بعد از صدام را بنمایش گذاشت. این کنفرانس، همانند نقش «کنفرانس بن» برای آینده افغانستان، نشانگر حقایق دیگری نیز بود. این حقیقت که سرمایه‌داری جهانی در چنبره بحران ساختاری خود در حل اختلافات درونی طبقه حاکم از طریق کودتای نظامی و ایجاد دولت‌های متمرکز و دیکتاتور از نوع سابق با دشواری‌های انکارناپذیری مواجه است. اگر زمانی اقدامات نظامی و کودتای برق‌آسا شکل غالب در تباری سیاسی برای انتقال قدرت از دسته‌ای به باند دیگر بورژوازی بود، اکنون طبقه حاکم ضمن تلاش برای بدست آوردن اقتدار سابق در سازماندهی ساختار سیاسی نظام موجود، ناگزیر به تکیه بر اقدامات جنگی وسیع و دسته‌های ناتوان قومی و مذهبی شده است. نیروهایی که یقیناً قادر به تامین سود و امنیت سرمایه و بازار در آن حوزه نخواهند بود. امروزه حل معضل حکومتی در برخی از کانون‌های بحران، نه از طریق ژنرال‌ها و تاجداران متمدن و تجددطلب وابسته به یک دستگاه دولتی مقتدر، بلکه با زدوبند میان چندین دولت و کوشش برای مدرنیزه کردن گرایش‌های واپس‌گرای مذهبی و ناسیونالیست محلی صورت می‌گیرد. این امر بیانگر آن است که، بن‌بست سیاسی و اقتصادی جهان سرمایه، راه حل خود را در دورانی از جنگ‌های ملی و منطقه‌ای یافته است. کنفرانس لندن و طرح‌های مورد بحث درباره ساختار سیاسی آتی عراق نه فقط مرحله‌ای از تدارکات جنگی آمریکا، بلکه در صورت عملی شدن آن، تدارک دورانی از جنگ‌های ملی و محلی در خاورمیانه نیز خواهد بود. جنگ‌هایی که کارگران و زحمتکشان عراق، ایران و سوریه اولین قربانیان آن خواهند بود.

اگر امروز عمل متحدانه جناح‌های طبقه حاکم در تحمیل این مصائب عظیم اجتماعی بر کارگران و مردم چین بی‌مهابا پیش می‌رود، اگر آینده و سرنوشت میلیون‌ها انسان در نشست‌های چند ساعته قدرهای نظامی و مزدوران آنان چنین ارزان دستخوش برنامه‌های فاجعه‌باری می‌گردد، اگر اینها حقایق روزمره جاری در برابر دیدگان میلیاردها انسان جهان امروز است، بدین خاطر است که تنها نیروی مقاومت در مقابل سرمایه‌داری، یعنی طبقه کارگر بمثابه یک طبقه جهانی، بویژه در آمریکا و اروپا، تحت سیطره نهادهای مختلف دستگاه حاکم خلع سلاح شده و از حزب سیاسی خود محروم گشته است. اگر امروز چنین حزبی، همچون جزئی از طبقه کارگر وجود میداشت، اوضاع بگونه دیگری بود. اگر امروز چنین حزبی وجود میداشت، بی‌شک منشورسیاسی و برنامه حاکمیت شوراهای کارگری و مردمی عراق بمثابه گامی برای حاکمیت سوسیالیستی را در مقابل برنامه کنفرانس باندهای ارتجاعی لندن قرار میداد. حزبی که با تکیه بر نیروی عظیم طبقاتی خود هرگونه اقدام نظامی آمریکا علیه مبارزه و ابتکار مستقل مردم عراق را با خواباندن صنایع و چرخ‌های صنایع نظامی غرب خنثی کرده و جنگ ارتجاعی را مبدل به جنگی طبقاتی علیه کلیت نظام می‌کرد. نظام حاکم یکبار به هنگام جنگ جهانی اول شاهد حرکت جنبش کمونیستی و کارگری روسیه و اروپا بسوی چنین حزبی بود. حرکتی که منجر به پیروزی انقلاب کارگری روسیه و تاسیس بین‌الملل کمونیستی گردید. اگر جهان امروز صحنه جولان و تاخت‌وتاز گانگسترهای سیاسی و تاجران صنعت مرگ گشته، تنها بدین خاطر است که طبقه حاکم مانع بهره‌گیری پرولتاریای جهانی از درس‌ها و تجارب شکست آن اقدام بزرگ تاریخی شد.

کنفرانس لندن جلوه دیگری از اتحاد کلیه جناح‌های سرمایه‌داری جهانی در اقدامات استراتژیک و برپایی جنگ در حل کشمکش‌های درونی طبقه حاکم بود. کنفرانس لندن، علیرغم تمامی تنش‌های ناپیدای قدرت‌ها در پس آن، نمادی است از اتحاد طبقه حاکم و تفرقه و تشتت طبقه کارگر در جهان امروز. کمونیست‌های انترناسیونالیست ایجاد سازمان سیاسی پرولتاریای کشورهای عربی و آسیایی و خروج طبقه کارگر آمریکا و اروپا از زیر سلطه نهادهای پلیسی اتحادیه‌ای را شرط مهمی برای سازمانیابی جنبش انترناسیونالیستی در براندازی نظم موجود دانسته و در این راستا میکوشند. کمونیست‌های انترناسیونالیست کلیه احزاب و گروه‌های راست و چپ، ناسیونالیستی و مذهبی را در یاری به پیشرفت برنامه‌های جنگی و ویرانگرانه امپریالیسم در این مسیر را محکوم می‌کنند.

علیه جنگ، علیه سرمایه‌داری

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست

۶ دی ماه ۱۳۸۱